

در پی جوسازی غیر حرفه‌ای برخی رسانه‌ها روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرد  
**تصاویر جلسه مجمع مربوط به رای‌گیری اصلاح قانون شوراها نبود**  
صفحه ۲

دوشنبه اول مرداد ۱۳۹۷ | ۹ ذی‌القعده ۱۴۲۹ | ۲۳ جولای ۲۰۱۸ | سال دهم | شماره ۲۴۹۲ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

# وطن امروز

ولیعهد سعودی از توطئه پسرعموهایش نگران است  
**صدامک پله‌پله تا سقوط**  
صفحه ۱۵



VATAN-E-EMROOZ | Vol.10 | No.2492 | Mon.Jul.23, 2018 | ISSN:2008-2886

۱۱۷۹ سال و ۲۳۸ روز گذشت

تیتراهای امروز

روابط دو سوی آتلانتیک و «داستان دو شهر» چارلز دیکنز

## ناتو؛ فروپاشی از درون



صفحه ۱۵

با خروج شورشیان از درعا و قنبره، جنوب سوریه در آستانه آزادسازی کامل قرار دارد

## فرار کلاهسفیدهای تروریست به اردن

صفحه ۱۵

چرا سینمای ایران در این سال‌ها نسبت به سوزه جذاب «ترور» بی‌تفاوت بوده است؟

## در حسرت سینمای شهید و جلاد!

صفحه ۱۲

«وطن امروز» ۴ وجه تشابه عملکرد شورای شهر تهران و دولت تدبیر و امید را بررسی می‌کند

## مدیریت شهری «خسته»!

صفحه ۴

نگاه‌امروز

### فساد سخن

حسین قدیانی

حالا بهتر می‌فهمم چرا اغلب روسایمان آخرت، چوب زبان‌شان را می‌خورند! حقیقت آن است که «فساد سخن» بیداد می‌کند! فساد سخن اما فقط دروغ و تهمت نیست؛ همین که حرف را نبخشد و ناصحیح بزنیم هم مصداق فساد سخن است! در اینستاگرام، فیلمی یک دقیقه‌ای می‌بینیم و بدون آنکه از صحت و سقم آن مطلع شویم، یا دچار شور حسینی می‌شویم یا مبتلا به شور یزیدی! امثال من از زاویه دفاع از انقلاب و پاسداری از عدالت و آن قلم به مزه زنجیرهای من از پنجره خودش! هنوز عکس را ندیده، حکم‌نامه صادر شده است! هنوز خبر را درست و حسابی و روان‌انداخته، کامنت‌مان به‌راه است! و بگذار اعتراف کنم؛ اقلا این یک قلم، دردی همگانی است که حزب‌اللهی و غیر آن ندارد! توهم زده‌ایم چون داعیه‌دار مقابله با فساد هستیم، می‌توانیم هر حرفی بزنیم و حتی خودسرانه، اسلحه هم بکشیم! الباقی هم مثل ما بدتر از ما! بهتر از ما! چه فرقی می‌کند، وقتی همه ساکن یک کشتی هستیم؟! روزی سلب‌ریتی به اسم مردم‌گرایی می‌آید و دردی منتشر می‌کند و کلسی روح و روان ملت را بازاری می‌دهد، بعد انکشف که آن دره، هیچ وجود خارجی نداشته و اصلا ربطی به ایران نداشته! روز دیگر ولی همین بلا را روزنامه‌نگار زنجیرهای سحر خود سلب‌ریتی می‌آورد و همین‌گونه است که این همه فساد سخن زیاد است! فی‌المثل آن روحانی که واقف نیست الا با کدام حدیث و کدام روایت و چه لحنی و چگونه لسانی باید از حج یا حجاب دفاع کند! گویی اول حرف‌مان را می‌زنیم و بعد فکر می‌کنیم! طرفه حکایت اینجاست؛ دین مبین ما «اسلام» تفکر را هم عبادت می‌داند! وای بر مسلمانی ما، وقتی این همه نسجیده سخن می‌گوییم! بدبختی اینجاست که از بس کیلویی حرف زده‌ایم، کیلویی حرف زدن هیچ قبیحی برای‌مان ندارد! خیلی راحت آبرو می‌بریم و هیچ متوجه نیستیم به معنای کلمات! بدون هیچ پرس‌وجو و جست‌وجویی که آیا اصلا و اساسا این خیر راست است، همین‌طور اظهار فضل است که می‌کنیم! و بعضا با ناسزا و دری‌وری! القصه! سال ۸۸ در بلوار کشاورز «محسن» را دیدم که در صف فتنه‌گران داشت شعار علیه غزه و لبنان می‌داد! آن قدری در دبیرستان شاهد فتح، سوز و گداز هم پریده بودیم و زیر توپ زده بودیم که صدایش کنم!

ادامه در صفحه ۵

## سی‌و‌ارتباطات خارجی

ران ۱۳۹۷



رمزگشایی «وطن امروز» از تهدید نفتی روحانی و نامه سردار سلیمانی با اظهارات دیپروژ رئیس‌جمهور تأیید شد

# ایران ارباب تنگه‌ها

حسن روحانی: خیال می‌کنند وقتی می‌گوییم نفت ایران صادر نشود، هیچ کس نمی‌تواند نفت صادر کند به دنبال بستن تنگه هر مز هستیم در صورتی که راه‌های فراوانی وجود دارد و ما تنگه‌های بسیاری برای این کار در اختیار داریم

تکرار فرج مصطفی ایران

صفحه ۲

نگاهی گذرا به مؤلفه‌های کسب منافع آمریکا از ضدیت عقابیت با سیاست سعودی

### غارت پترودلار

نفع عربستان پدیدار نشده است؛ مگر اینکه ریاض کشتار، آوارگی و بیماری‌های مردم یمن و تخریب زیرساخت‌های این کشور را دستاورد و پیروزی برای خود تلقی کند!

محمد بن‌سلمان بحران قطر را «بسیار، بسیار، بسیار کوچک» می‌خواند، در حالی که نتوانسته به این بحران پایان دهد و دوحه را به پذیرفتن سیاست‌ها و خواسته‌های ریاض وادار کند و اگر چنین است، پس چگونه می‌تواند با بحران‌های بزرگی همچون یمن، عراق، سوریه، لبنان، اردن، مصر و لیبی که هر کدام چندین برابر قطر دشواری دارند، دست و پنجه نرم کند! ولیعهد خوبی می‌داند اگر در عرصه سیاست خارجی شکست‌های وارد آمده بر عربستان را بپذیرد، در میدان رقابت داخلی که بستری بسیار دشوارتر از حوزه خارجی به شمار می‌رود، ضربه آخر را دیر یا زود دریافت می‌کند و آنگاه نه فقط وی، بلکه خاندان سعود باید هزینه‌های گزافی بابت آن پرداخت کنند.

به عبارت دقیق‌تر در دوران ولیعهدی محمد بن‌سلمان، عربستان بازنده بلندپروازی‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای خود شده و به علت در پیش گرفتن سیاست‌های نسنجیده و نابخردانه، همراهی کشور‌های عربی و اسلامی را یکی پس از دیگری از دست می‌دهد و تنها برنده این سیاست‌های اشتباه، شرکت‌های اسلحه‌سازی و آژانس‌های تبلیغاتی آمریکا هستند. این در حالی است که کاسب کهنه‌کار کاخ سفید در ازای حفاظت از تاج و تخت شاهانه نظام سعودی، خزانه عربستان را در جیب آمریکا می‌ریزد که این موضوع نه تنها نتوانسته از مشکلات ریاض بکاهد، بلکه خود بحرانی جدید برای حکام سعودی به شمار می‌رود؛ این موضوع نتوانسته مشکلات ریاض را بکاهد و فقط جنبه جیب‌بری از سعودی‌ها را به نمایش می‌گذارد.

سوی دیگر، دوحه به جای اینکه سطح روابط خود با تهران را کاهش دهد، برای کاستن فشارهای وارده از سوی متحدان خلیجی خود بیش از پیش به ایران نزدیک شد و در آنجا بود که مواد غذایی و دیگر نیازهای ضروری در اختیار قطر قرار گرفت. این در حالی است که واکنش ایران در قبال بحران مذکور به تاملین نیازهای ضروری قطر ختم نشد و تهران حریم هوایی خود را به روی هواپیماهای قطری گشود، بنابراین قطر بیش از پیش به ایران نزدیک شد که در نهایت با گذشت یک‌سال از آغاز منازعه

عربستان و قطر، هیچ گام مثبتی جهت انزوی قطر برداشته نشده و حتی هزینه این چالش بیش از آنکه بر گردن قطر باشد، به سر عربستان بار شده است. در واقع مساله قطر مانند سوریه و یمن، زخم تازه‌ای را برای حکام نابلد سعودی باز کرده است. مروری بر صحنه سوریه و یمن نشان می‌دهد عربستان در هر حوزه‌ای که بنا را بر جنگ، درگیری و چالش سخت یا سیاسی گذاشته است، به سرعت و با قدرت شکست خورده، این در حالی است که سران سعودی حاضر به پذیرش شکست‌های تحمیلی بر ریاض نیستند. به عنوان مثال عربستان در سرنگون کردن نظام سوریه مفتضحانه ناکام مانده است در حالی که «عادل الجبیر» وزیر خارجه سعودی بر این گفته خود پافشاری می‌کند که بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه یا با مذاکره یا با جنگ باید به حاشیه برود. در یمن هم که جنگ وارد چهارمین سال خود شده و حتی کمترین موازنه میدانی یا سیاسی به

سطح همکاری دیپلماتیک قطر با ایران و تعطیلی پایگاه نظامی ترکیه در قطر... بود.

در این بین روی کار آمدن دولت جدید در آمریکا و کارکرد کوتاه‌مدت دلارهای نفتی سعودی برای همراهی آمریکایی‌ها، عربستان را در چنان تکبری فرو برده بود که هیچ‌گاه تصور نمی‌کرد چالش موجود میان ریاض و دوحه، فصل جدیدی از مشکلات جدی آنها در آینده خواهد بود اما هر چه از آغاز این بحران میان ریاض و دوحه گذشت، نه تنها قطر به خواسته‌های عربستان تن نداد، بلکه پایگاه نظامی ترکیه در خاک این کشور تکمیل و تقویت شد و رسانه‌های قطری بوژه شبکه‌های الجزیره و العربی همچنان به انتقاد از عربستان پرداختند. انتقاد شبکه‌های قطری در حالی ادامه پیدا کرد که ولیعهد سعودی نه تنها به هدف این حملات مبدل شد، بلکه سنت دیرینه عدم انتقاد از مقامات سعودی شکست. پروژه نقد پادشاه و ولیعهد سعودی در شرایطی در اولویت رسانه‌های عرب‌زبان قرار گرفت که افشای جنایات و جرائم سران ریاض در یمن با وجود عضویت پیشین قطر در ائتلاف تجاوز کلید خورد. در این میان واکنش‌گتن که به اندازه کافی از ریاض استفاده ابزاری کرده بود، در مقام حمایت از قطر برآمد تا شدت حملات به عربستان افزایش پیدا کند. بر اساس اخبار منتشر شده از وزارت دادگستری آمریکا مشخص شد قطر با کمک لابی‌های فعال در آمریکا تبلیغات پرهزینه‌ای را علیه عربستان و امارات به راه انداخته و سرانجام مقامات آمریکایی به تعریف و تمجید از قطر در مبارزه با تروریسم پرداختند. از

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

تهدید تولید ملی

خرید کالای خارجی!

0 107354 683291

یاد

## نمی‌دانیم چه از دست داده‌ایم!

میکائیل دبانی

۱- چهار - پنج ساله بودم که در مراسم مذهبی مثل محرم، پدرم دست من و برادرانم را می‌گرفت و به مسجد بزرگ میرزاموسی می‌برد. وسط بازار می‌برد، شبستان و حیاط همیشه



پر بود از جمعیت، حاج‌آقا همان موقع‌ها هم محاسن‌شان سفید بود. از همان انتهای مسجد که جلو می‌آمد همه برای‌شان بلند می‌شدند و تبرک می‌جستند، پدرم هم همین‌طور، اگر چه من آن موقع نمی‌دانستم در جلسه چه در نیابیم حضور دارم و صرفا به بازی‌های کودکانه در مجالس وعظ و روضه دلخوش بودم.

بزرگ‌تر که شدم می‌دیدم پدرم همیشه و برای همه مسائل مشورتی، شرعی و مالی‌هایش مسیرش منتهی به مسجد میرزاموسی است؛ بابا می‌گفت حاج‌آقا برای بازاری‌ها در مسجد کلاس «مکاسب» می‌گذارد و می‌گوید: «اگر بازاری صورت شرعی معاملات را بداند و مقید به اجرای احکام در کسب‌وکار و تجارت باشد و گردش مالی و اقتصادی جامعه حلال باشد، بسیاری از مشکلات اجتماعی و مفاصل اصلا ظهور و بروز نمی‌کند. لقمه حلال مهم است و هر چه بدی داریم مقدمه‌اش لقمه‌های حرامی است که از ندانستن احکام یا عمل نکردن به آنها سرمان می‌آید».

بزرگ‌تر که شدم و در جلسات حسینیه خانه‌شان شرکت می‌کردم شاید این تاکید در همه جلسات‌شان بود که «ما هر چه می‌کشیم از بی‌سوادی و بی‌اطلاعی‌مان در دین یا لایقیدی‌مان به احکام دینی است». حسینیه‌ای که در زیرزمین آن خانه سده ۲ طبقه در خیابان درآشایی، لابه‌لای آن همه برج بلند بود. یادم نمی‌رود آن اتاق انتهایی گوشه حسینیه را که مملو بود از کتب و یک میز کوچک بود که حاج‌آقا پشت آن می‌نشست و به سوال پیر و جوان پاسخ می‌داد. ۲- حاج‌آقا برای بازاری‌ها «پدر معنوی» بود. یادم هست تا آن موقع که توان راه رفتن داشت، تهیه‌ای از سر بازار تا مسجد میرزاموسی را قدم می‌زد، با بازاری‌ها معاشرت می‌کرد و جوابگوی سوالات آنها بود. کمتر شده بود که کسی سوالی داشته باشد و ایشان تا پاسخ کامل و جامعی به او ندهد و او را قانع نکند، ره‌ایش کرده باشد. امام جماعت مسجد بود و همیشه روی صحبت‌شان با نامه جماعات این بود که باید امامان جماعت در میان مردم باشند و با مردم معاشرت کنند تا از حال جامعه باخبر شوند و بتوانند آنها را هدایت کنند. روی منبر بارها تاکید کرده بود: «روحانیون باید پر تحمل و کم توقع باشند. اگر زندگی روحانی تجملاتی شد؛ زندگی مردم تجملاتی می‌شود؛ نحوه زندگی روحانیون حتما در اقبال مردم به مساجد تاثیرگذار خواهد بود. اگر همه روحانیون همانند مقام معظم رهبری عمل می‌کردند گرایش جامعه‌ما به روحانیت هزار برابر بیشتر از این می‌شد». می‌گفتند سادگی روحانیون خیلی مهم است و امامان جماعت خودشان نیاز دارند در کلاس‌های اخلاقی یک استاد برجسته شرکت کنند که اگر می‌خواهند در زندگی مردم اثر بگذارند اول باید خودشان وضع خودشان را میزان کنند!

۳- عبادت داشت پیاده از خانه تا ایستگاه اتوبوس و تاکسی بیاید تا با مردم معاشرت کند و ببیند و بشنود تا از اوضاع مردم مطلع باشد. «مردمداری» را لازمه روحانیت می‌دانست و می‌گفت: «روحانی برای کمک به مردم است و مردم باید بدانند عالمان دین تکیه‌گاه آنها هستند». اما شنیدن بعضی از همین مراجعات کوچک و خیابانی به ایشان نیز خود برای پامبری‌ها بعضی وقت‌ها کلاس درس اصول و عقاید بود. یک روز در پیاده‌رو تخریب زنی با ظاهری ناراسته جلوی‌شان را گرفته بود و از ایشان درباره «حجاب» سوال کرده بود؛ ایشان هم همان‌طور که سرشان پایین بود «حدود شرعی حجاب» را توضیح داده بود، زن گفته بود اگر می‌شود مرا نگاه کنید و ببینید حدود را رعایت کرده‌ام یا خیر؟! ایشان هم بدون اینکه سر بالا بیاورد گفته بود: من حدودش را گفتم، شما خودتان می‌توانید بسنجید.

ادامه در صفحه ۵